



روی میز تحریر

دیار

۳۴

ش ۱۳۵

● لطفاً متعجب شوید!

انصافاً اگر ما یک اشتباه جزئی داشته باشیم، پوست کله‌مان را قلفتی از جا درمی‌آورید! حالا به ما حق بدهید انتظار داشته باشیم از چاپ شماره جدید دیدار، آن هم به فاصله کمتر از ۱۷ یا ۱۸ روز پس از چاپ شماره قبلی متعجب شوید!

● حالا کجایش را دیده‌اید؟!

به قول شاعر، حالا کجاشو دیدین؟! تا شما بخواید گرم خواندن شماره جدید دیدار شوید (منظورمان همین شماره پیش رویتان است) شماره ویژه عید نوروز هم چاپ‌انده شده! و در خدمت شماست! حالا هی بگویند دیدار آشنا «ال» است و «پل»!

● داغ دل بعضی‌ها!

داشت یادمان می‌رفت... خیلی باید ببخشید که با طرح پرونده ویژه ازدواج، داغ دل خیلی‌ها را تازه کردیم و تا حدودی چزاندم‌شان! خب به ما چه؟! آن یک عده‌ای که با خواندن پرونده ازدواج، خودشان را در فضای «بادا بادا مبارک بادا» تجسم کردند، عمراً حق ندارند بعد از خواندن پرونده ویژه، سر والدین‌شان غر بزنند که چرا هنوز «عزب اوقلی» هستند! همیشه که والدین و مسئولین و دولت و... مقصر نیستند. بابا جان یک کمی هم توقع‌هایتان را پائین بیاورید، آن وقت می‌بینید که مقوله ازدواج و اسیر شدن یک آدم مجرد در بند زندگی متاهلی چقدر آسان است!!

● به یک لطیفه بی‌مزه توجه فرمائید!

داشتیم اظهار فضل می‌کردیم که یک لطیفه خیلی خیلی بی‌مزه یادمان افتاد...

پدری پسر جوانش را نصیحت می‌کرد:
- پسرۀ ساده‌لوح جانم!! اگر از مجردی لذت نمی‌بری، ازدواج کن تا از خاطرات دوران مجردی‌ات لذت ببری!!!
این را گفتیم که فضا عوض شود، بی‌جنبه بازی درنیاورید و بعداً مدعی نشوید دیدار آشنا منکر فواید ازدواج بوده‌ها!

● همه شما رد شدید!

اصلاً این حرف آخری در گلویمان مانده بود، داشت خُتاق می‌شد! نه این که فکر کنید کسی برای دیدار نامه نمی‌نویسد... نه خیر... نامه می‌آید، خویش هم می‌آید، نمونه‌اش هم همین‌هایی که از بین نامه‌های مختلف گلچین می‌شوند و در پیغام و پغام بازتاب‌شان را می‌بینید. اما خداوکیلی شما جای ما باشید ناراحت نمی‌شوید؟! امکاناتی در نظر گرفته‌ایم که جواب مسابقه هر شماره را بدون نیاز به پرداخت هزینه پستی و کاملاً رایگان برای دیدار بفرستید و برنده سکه طلا شوید. آن وقت شما از نگاشتن چند خط نامه و ارسال آن همراه با فرم پاسخنامه خودداری می‌کنید؟! به بعضی‌ها برنخورده! اما انصافاً تبلیذ!

پیغام پیغام

نامه‌ها:

۱. کلاً موافقم!

ماهی پیش هم اگر مجله دیر به دست‌تان رسید علتش این بود که خواستیم کمی مجله را دیر چاپ کنیم، ببینیم چند نفر نگرانش می‌شوند! (توجیه را داشتید؟! خدائیش اعتماد به نفس هم خوب چیزی است!)

پیامک‌ها:

۱. خود تحویل‌گیری زیادی!

«دیگه زیادی دارند تحویل‌تان می‌گیرند! من که از خودم دلخور شدم وقتی اولین شماره اشتراکم گرفتیم... مثل دیدار ندیده‌ها بغلش کردم!!!»
■ اهکی!!!

این پیامک شما دقیقاً به چه منظور صادر شد؟! تعریف و تمجید بود یا تک‌کاری و انتقاد؟! به هر حال، ما طبق عادت در زمره تعریف و تمجیدها قرارش می‌دهیم، از بس که پر روئیم!

۲. ترکوندین!

«شماره قبلی مجله واقعاً فوق‌العاده بود، فوق‌العاده را هم رد کرده بود... ترکونده بود... خواستم یه تشکر اساسی کرده باشم.»

■ ما الان داریم شیطونکی می‌خندیم! چی فکر کردید با خودتون؟! برادر من، دیدار را به خاطر خاصیت انفجاری و ترکوندنی‌اش (!) بعضی جاها به عنوان دینامیت استفاده می‌کنند!

۳. پانزده شدید!

«مجله دیدار را که می‌خواندم، پنج تا غلط املائی پیدا کردم... پانزده شدید!»

■ خدا رو شکر تجدید نشدیم! حالا ما چکار کنیم؟! لازمه فردا با ولی مون بیائیم؟!
۴. پیامک‌های شما هم رسید

مریم حیدری - مصطفی کنعانی - پرویز میرزایی - اکرم مصطفی‌نژاد - آقای مهدی‌پسند - فاطمه عسکری

خانم زینب گودرزی شاهد، نامه‌ای برای ما نوشته‌اند و در این نامه به تمام صفحات و مطالب مجله نمره قبولی داده‌اند: «صفحه اخبار آشنا، نماز وحشت، پلاک آشنا، طلبه‌ها از مریخ نیامده‌اند، پسرانه، دخترانه و... عالی بود.»

اگر بخوایم تمام نامه ایشان را عیناً بنویسیم، این صفحه پر می‌شود، اما لپ کلام این بود که مجله عالی بود...

■ خانم گودرزی؛ محض رضای خدا از یک صفحه ما ایراد می‌گرفتید! برخی از مخاطبین ممکن است به طرز فجیعی به این همه تعریف و تمجید شک کنند! راستش ما خودمان هم تا به حال و تا این حد به خودمان نمره قبولی نداده بودیم!

۲. یلاً قبول کنید!

خانم بخشنده‌نسب از سبزوار دو نامه جداگانه برای دیدار تنظیم کرده‌اند و در هر کدام، پیشنهاد جدیدی را مطرح کردند که پیشنهادها به این قرار بود: ۱. ایجاد صفحه جدیدی برای معرفی رابطین بهداشت در شهرستان‌ها. ۲. معرفی روستاهای کشور و فعالیت‌های فرهنگی‌شان...
■ خانم بخشنده‌نسب...

از پیشنهادهای خوب شما ممنونیم... اما چه کنیم که امکان چنین کاری برایمان فراهم نیست.

وظیفه ما و همکاران‌مان در نشریات و مطبوعات، طرح مسائل کلی جامعه است و بیان چنین سوژه‌هایی که مدنظر شماست، بیش‌تر در حیطه کاری صدا و سیما می‌باشد.

۳. خیلی خوبید؛ اما...

خانم فاطمه محمدی از اراک برای دیدار آشنا نوشته‌اند:
«من از طرفداران مجله شما هستم و مطالب‌تان بسیار آموزنده است. به‌خصوص مطالبی که در مورد مواد مخدر و بخش دخترانه و پسرانه می‌نویسید... اما چرا ماهی یکبار چاپ می‌شوید؟ ماه گذشته هم مجله دیر به دستم رسید.»

■ ای بابا... روضه ما را که همه از بر شده‌اند! بودجه‌مان کجا بود که هفته نامه بشویم؟!